A Practical Analysis of Waiting in Strengthening the Spirit of Resistance and Avoiding the Spirit of Haste

Hossein Elahinejad

Received: 07/06/2021 Accepted: 17/11/2021

Abstract
Waiting (for Imam Mahdi's reappearance) is justified as a comprehensive and wide-ranging teaching with two trans-denominational and trans-religious approaches and plays a fundamental and important role in organizing the individual and social life of the Savior believers. In this study, among the various functions of the waiting in individual and social affairs, the two issues of resistance and haste with a negative and positive attitude are discussed. In a positive approach, this paper proves the role of the waiting in strengthening the spirit of resistance and tolerance, and in a negative approach, it denies the spirit of haste with a library method along with explaining data through descriptive and analytical methods. Undoubtedly, an important issue and challenge that sometimes can be seen among the waiters and disrupts their personal and social lives, is the spirit of impatience and haste for the issue of reappearance (of Imam Mahdi). This study focuses on answering and resolving this problem and strengthening the spirit of patience and resistance among the waiters by using the arguments of the Qur'an and narration along with thematic analyses.

Keywords
Mahdism, Waiting, practical analysis, the spirit of resistance.

1. Associate professor, Islamic Sciences and Culture Academy. hosainelahi1212@gmail.com.


DOI: 10.22081/JM.2021.61113.1028
فصلنامه علمی- تخصصی جامعه مهدویت
دوره ۳۳، شماره یک - بهار و تابستان ۱۳۹۸
DOI: 10.22081/JM.2021.61111.1028

не Analysis of Expectation and Theoretical Differences
and Prejudices in the Context of Mankind

Chiheb

چکیده

انتظار به عنوان آموزه‌ای فراگیر و پرداخته به آن در جامعه فراموش نشده و نقش اساسی
و مهمی در سامان‌های زندگی‌فرمی و اجتماعی باورمندان منچی دارد. در این پژوهش در میان
کارکردهای مختلف انتظار در امور اجتماعی و اتکا به دو مقوله مقاومت و استعجال با نگرش سلیمی
و ایجابی پرداخته شد. که در نگرش ایجابی به انتظار است. انتظار در تقویت روحیه مقاومت و
تاب آوری و در نگرش سلیمی به نفع روحیه شتاب‌زدگی و استعجال با شیوه کتابخانه‌ای همراه با تبیین
اطلاعات با روش توصیفی و تحلیل مبادله می‌شود. به شکل مسئله و شیوه موردی که گام در میان
منظمان دیده شده و موجب اختلال در زندگی‌فرمی و اجتماعی آنها می‌شود، روحیه کم حوصلگی و
شتاب‌زدگی در امر تهدید است. که در این نوعتار برای پاسخگویی و بررود فرات این مسئله و برای
تقویت روحیه صبر و مقاومت در میان منظمان با بهره‌گیری از استندال‌ها قرآن و روایی همسایه‌ی با
تجلیل‌های مضمونی به تحقیق و پژوهش در این پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، انتظار، تحلیل کارکرد گرابانه، روحیه مقاومت.

hosainelahi1212@gmail.com

1. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران.

الیخانی، حسن. (۱۴۰۰) تحلیل کارکرد گرابانه انتظار در تقویت روحیه مقاومت و پرهیز از روحیه شتاب‌زدگی.

DOI: 10.22081/JM.2021.61111.1028 صص ۸۳–۸۰
مقدمه

انتظار با نگرش کارکردگری‌های دارای آثار و فواید بسیاری است این آثار و فواید با دو رویکرد فردی و اجتماعی توجیه می‌شود. آثار فردی نظر فضل آوری، تاب آوری، نجات آوری، تکلیف آوری، امیدآوری و آثار اجتماعی نظر ظلم مستیزی، عدلات محوری، همگرایی و تمدن سازی که در این نوشته در میان آثار مختلف فردی و اجتماعی، تنها به آثار فردی و در میان آثار گوناگون فردی تنها به دو کارکرد متقابل (تاب آوری) و نه شتاب زدگی پرداخته می‌شود. بر این اساس مقوله انتظار با رویکرد کارکردگری‌های با روش توصیفی و تحلیلی به یک زمینه‌ای تقویت شاخه مقاومت و تاب آوری و با رویکرد سلبی به نهایی شاخه استعجال و شتاب زدگی می‌پردازد. در این خصوص براساس تبع صورت گرفته در مقاله تیبین قرار آتی نقش مقاومت در حواشی جهانی مهدوی به قلم نگارنده (الهی‌زاده، ۱۳۹۹) و (واهرده‌ای مدارک در دوره انتظار از منظر قرآن کریم) به تألیف محمد سحرخوان (سحرخوان، ۱۳۹۹) نگارش شده است که هر دو اثر تنها با محوریت قرآن تنظیم و تحقیق شده‌اند که اثر حاضر علاوه بر مستندات قرآنی از مستندات روانی و تحلیل مضمونی نیز استفاده خواهد کرد.

۱. مفهومشناسی

۱.۱. مفهوم انتظار

انتظار از متراکم‌های معنا‌یابی نتای و ترقب است و در لغت به معناي تأمل کردن، چشمش داشتن، چشم به راه بودن، امیدداشتی و امیدواری بودن است (ابن منصور، ۱۴۱۶، ص۱۹۵). آنچه باعث تمایز این اثر از متراکم‌های آن می‌شود، وجود خاصیت (مطاوعه) در معنا آن است که طوری کلی از خصوصیات باب افعال به شمار می‌رود. (مطاوعه) به معناي تأثیر پذیری است و بسیار سبب معناي وازوه انتظار برای با چشم به راه شدن (خواهد بود). از مطلب گفته شده به این تیجه می‌رسیم که (انتظار) حالت و وصف است که بر شخص متاثر، سلسله امروری مربوط می‌شود و این وی و انتظار منظور آن است رابطه تأثیر و تأثیر برقرار است.
از آنجایی که مقوله انتظار با دو رويکرد عام و خاص، و مثبت و منفی توجه پذیر است (الهی نژاد، ۱۳۹۵، ص۳۲)، در معنای اصطلاحی نیز باشد همین دو رويکرد را می‌دانم.
قرار داد.
رویکرد اول (انتظار علم و خاص): انتظار علم به معنای علم و امیدواری جهت گشایش و فراخی کار در همه امور زندگی است که این امور زندگی به دنبال و اخروی، و فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و امور اجتماعی نیز شامل همه ابعاد آن نظیر مشکلات اقتصادی و سیاسی می‌شود و انتظار خاص اعتنایی که متعلق خاص دارد و این متعلق خاص یکی یکی از ابعاد انتظار است نظر انتظار گشایش از مشکلات امور دینی یا گشایش از امور آخري یا بر می‌گردد مقصود از متعلق خاص یکی از مصدايق انتظار است، نظر انتظار ظهور امام زمان. به یکی دیگر انتظار فرج به معنای نهور و تقرب (حراي، ۱۳۸۵، ص۶۱) یا به معنی آمادگی روحی و عملی برای ظهور امام زمان. جهت باری رساندن به آن حضور است که در این خصوص بايد از کارهایی که با این عمل منافات دارد دوری کرد (حراي، ۱۳۸۵، ص۶۱). این نوع انتظار مورد قبول هم مسلمانان از جمله اهل ست است (الهی نژاد، ۱۳۹۵، ص۶۱) پس انتظار باوری است اسلامی که اختصاص به شیعه ندارد، بلکه همه باور وندان اسلامی بدان اعتقاد دارند.
(آصفی، ۱۳۸۵، ص۶۱).
رویکرد دوم (انتظار مثبت و منفی): انتظار مثبت در اصطلاح دارای سه مولفه اساسی است که با این سه مولفه از انتظار منفی بازشناستی می‌شود. مولفه اول رضاپسندنشتن از وضعیت موجود، مولفه دوم امیدواری به آینده مطلوب و مولفه سوم آمادگی و حركت به سوی وضعیت مطلوب و رسیدن به جامعه ایدئال مهدوی است. با هر گدام از این سه مولفه یا به صورت فردی یا به صورت جمعی انتظار مثبت از انتظار منفی جدا می‌ایست.
می‌شود؛ چنان که امام جواد (ع) درباره وازه منظر و معنای آن می‌فرماید: «سیلی یعنی وازه لانظار المخلصین خروجیه بعیضه له غیبت به طول اندامده» (بیایی، بی‌بی، ج۲، ص۴۳۱) نام گذاری مهدی به منظر به جهت انتظار است که مخلصان بعد از غیبت او می‌کشد و برای او غیبت طولانی است.
2.1 مفهوم کارکرد

محدودیتی در نظریه کارکرد گرایی وازه کارکرد است که به معنای نتیجه و اثربنای است که در علم جامعه‌شناسی به معنای انطباق یا سازگاری یک ساختار معین، یا اجزای آن با شرایط لازم محیط است (ویلیام، گورد، 1392، ص 679). منظور جامعه‌شناسان از (Function) مفهوم کارکرد در اصطلاح کارکرد گرایی (Functionalism) اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارند (اسکیدور، 1372، ص 142). کارکرد در جامعه‌شناسی نیز دارای معنای متفق عليه نیست؛ ولی کلی ترین معنای کارکرد در جامعه‌شناسی، همان نتیجه و اثر است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن با شرایط لازم محیط است (ویلیام، گورد، 1392، ص 679). اصطلاح کارکرد به دو گونه عام و خاص تعريف می‌شود که با نگرش مخصوص مکتب کارکرد گرایانه است و در جامعه‌شناسی کاربرد دارد؛ ولی در اصطلاح عام به معنای «نفست» و «غايت»، فايده، نتیجه و است و اختصاص به حوزه خاصی ندارد. بر این اساس در این نوشته از کارکرد، معنای عام آرای می‌شود.

2.1 مفهوم مقاومت

از نظر کتاب‌های لغوی وازه مقاومت از ماده (قامت) است و به معنای قوت و نیرو (طراحی) 1375، ج 9، ص 148 (استواری، ایستادن و استقامت (این منشور، 1416، ج 12، ص 499) و الیزام و ثبات (اصفهانی، ص 493 (اعتدال و استواری (زیدی، 1414-1414، ج 17، ص 593 و استواری (بستگی، 1357، ص 62) آمده است. معنای مقاومت این است که انسان راهی را انتخاب کند که آن را به حکم می‌داند، را درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع توانائی او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را موقف کند

این معنای مقاومت است (خاتمی، 88/2/14، 98/).

4.1 انظار توپ‌آوری (مقاومت)

مقاومت و تاب آوری از جمله مقولات مهم و تأثیرگذاری است که نقش اساسی در
زنده گشی فردی و اجتماعی به‌قرار. این مقوله در آیات و روایات مختلفی به‌صورت فراگیر آمده است. در قران مشتقات و آذه مقامات فراوان به کار رفته است: «آن‌لیل‌ی که بنا گردیدند پروردگار ما خدا است»، سپس ایستادگی کردن» (فصل، 30). و قَشَقُّمَ كما أمِرت؛ پس همان گونه که دستور بافت‌های ایستادگی کن» (مود، 121). و که گفتند پروردگار ما خدا است، سپس ایستادگی کردن، بی‌مورد آنان نیست و علی‌کردن نخواهند شد» (خلاف، 13). فَمَا اشتقاقاً کسانی که بنا گردید می‌توانند یا پس ایستادگی کردن، بی‌مورد آنان نیست و عظیم نخواهند شد» (خلاف، 13). ایالت اینجاست ذوقی که ایستادگی؛ فرمز: دعاوی هر دوی شما به‌صرفه شد. پس ایستادگی کن» (ہوی، 8). مقاومت و استواریه که بیان مورد تأکید قران و سنت بوده و اسلام بسیار مسلمانان را بدان توصیه می‌کند، دارای دو عامل مهم است: 1. تقابل حکم و باطل، 2. صبر و برداری. یکی در شکل گیری مقاومت و دیگری در استمرار و تداوم آن و به بیان ذکر یکی در قابل علت محدوده و دیگری در قابل علت مبیشی نقش ایفا می‌کند. تقابل و کشمکش حکم و باطل که دیرین‌ترین و پرگسترده‌ترین تقابل‌ها به شمار می‌آید، نمی‌توانند این شکل‌گیری مقاومت در انسان شناخته‌های شخصی که بعد از شکل‌گیری مقاومت، تداوم و استمرار آن نیز به واسطه شاشصه صبر اجرایی و عملیاتی می‌شود. گستره تقابل حکم و باطل علاوه بر تکوینات، شامل حال تشریعات و نیز علاوه بر امور فردی، امور اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. رویکرد تقابل حکم و باطل در ابعاد و سوئیع نظر بعد سیاسی، بعد فرهنگی، بعد دینی، بعد تمدنی، و بعد اقتصادی مطرح است. در دوران ظهور و حکومت جهانی مهدوی تقابل حکم و باطل مانندی که از طرف طرف دیگر به اوج و نهایت خود می‌رسد، یعنی جهه حکم با تمام خویشها و جهه باطل با همه شرارت‌ها رو در روی هم قرار می‌گیرد و
فراگیرترین و گستره‌ترین جنگ خبر و شر که در تاریخ بشریت بی سابقه بوده رخ دهد. بی‌شک هرچه این مصاف گستردگی و عمقی‌تر باشد، مقاومت و تاب‌آور ییزد گستردگی و عمقی‌تر خواهد بود. براساس داده‌های قرآتی و رواپیو در راستای شکل‌گیری ظهور و تاسیع حکومت واحد جهانی علاوه بر صبر و مقاومت رهبر، صبر و مقاومت یاران و شهروندان او نیز لازم و ضروری است؛ زیرا در این سیستم ومبارزه، همه کفر با همه عواملش در برابر همه ایمان با همه نیروها را قرار می‌گیرد و سرنوشت این مبارزه برای هر دو جبهه مهم و تأثیر گذار است که در صورت پیروزی، آینده و حیاتشان تأمین و در صورت شکست، نبسته و نابودی شان حتمی خواهد بود؛ از این رو جبهه حق یعنی امام مهدی و یاران او با همه قدرت و مقاومت، و با به کار گیری همه نیروها، زمینی و آسمانی به مصاف دشمن خواهند رفت و زمین را برای همیشه از لوث کنند، نفاق و یبدیلی با کرسی می‌کنند.

بنابر این شاخص مقاومت و تاب‌آوری در شکل گیری و تداوم وابسته به دو عامل اساسی به نام‌های "مقاومت حق و باطل" و "مقاومت صبر" است که یکی نقش خاستگاه و علته محدو و دیگری نقش تداوم گر و علت مقایسه ایاف دهنده می‌کند و اوج این تقابل، مقاومت و صبر در دوران ظهور به منصبه ظهور می‌رسانند.

### ۵.۱. انتظار تداعی گر مقاومت

مقاومت انتظار همیشه با مقاومت مقاومت و صبر همراه و عجیب است و انتظار بدون صبر و مقاومت، صبر و مقاومت بدون انتظار معنی ندارد و اصلاً انتظار صحیح که انتظار عملی است و تحقیق بخش ظهور است با مقاومت صبر و مقاومت تحقیق پیدا می‌کند. بر این اساس رابطه صبر و مقاومت با انتظار، رابطه دوستویه است؛ عینی انتظار الهام‌بخش صبر و مقاومت، صبر و مقاومت بسترساز انتظار صحیح و ظهور است و این رابطه عینی رابطه الهام‌بخشی انتظار نسبت به مقاومت از دو طریق قابل توجه است.
2. برداشت صبر و مقاومت از مفهوم انتظار

وقتی واقعی انتظار و مفاهیم همسو با آن را مورد باکار گرفته و واشکافی دقیق قرار می‌دهیم، از همه آنها به نوعی مفهوم منظم‌کننده کردیم و صبراً برداشت می‌شود؛ یعنی مفهوم صبر مفهوم مشترکی است که در همه آنها به نحوی با دلالت انتزاعی قابل برداشت است.

پس معنی انتظار، یعنی منتظر بودن و صبر کردن برای رخداد ظهور، معناهی "چشم به راه بودن" یعنی چشم دوختن و صبر کردن برای رخداد ظهور، معناهی "امیدداشت" یعنی امیدداری بودن و صبر کردن برای آمدن منجی و... در انتظار و همه مفاهیم همسو با آن به نوعی مفهوم صبر خورایده است که این نشان از عجیب‌بودن مفهوم صبر یا مفهوم انتظار است، پس از طرف شاهصی صبر همیشه همراه و هم‌همدش شاخصه انتظار قرار دارد و از طرف دیگر همیشه از تداوم و پیوستگی شاخصه صبر شاخصه مقاومت مورد می‌شود؛ پس نتیجه گرفته می‌شود صبر از مفهوم انتظار و مقاومت از تداوم صبر قابل برداشت است؛ پس شاخصه انتظار به نوعی الهام بخش صبر و مقاومت است.

3. صبر و مقاومت از منظر روایات انتظار

دوران غیبت و انتظار به جهت وجود شاخص‌های انحصاری نظیر پنهان زیستی امام و دسترسی نداشتن مورد به او از دوره‌های دیگر منشأ گذشت و دارای تکالیف و برنامه‌های ویژه‌ای است. بر این اساس مصوبات در روایات مختلف به جهت فراوانی انحرافات و لغزش‌ها در عصر غیبت و کثیرت جایزه‌ها و مخاطرات در آن، هشدارهای لازم را به شیعیان داده و برای رهایی و نجات از این لغزش‌ها و معافیت یافتنی راهبردهای مختلفی ارائه داده‌اند که کاربرد قبوري، برداری، مقاومت و تابآوری از جمله آنها است.

چنان‌که پیامبر گرامی اسلام در خصوص همراهی انتظار و صبر می‌فرماید: "انتظار الفرج بالصبر عبایده؛ انظار فرج همراه با صبر عبایده به شمار می‌رود" (توضیحات، 1404، ص 16). در این روایات حضرت رسول اکرم به بیان شدت رابطه میان انتظار و صبر پرداخته و
این رابطه را اولاً رابطه عمیقی دانسته نه قولی و قلی و ثانوی به معنی این عمل را در قابلیت عبادت که عالی تنین و مقدس ترین نوع عمل است می‌داند.

در همین خصوص امام رضا(ع) در روایتی به بیان رابطه میان صبر و انتظار برداخته و آن را از جمله نیکوترين رابطه تعريف كرده است و در ادامه علت این نیکوترين رابطه را به سختی دوران غیبت و انتظار و یا بگیری که بر مردم و جامعه مستند می‌شود می‌داند: مثلاً اوشان الصبر و انتظار الفرج آنها سبب قلقل الله عز و جل‌ و از بین بردن بی‌معنی رحیم فانی یکی از المتعانیان، عنوانی از الصبر فلانه، اینجا بحث، محکع، گفتند که این کسان که در سنتيه عز و جل را انتظار برده که هم‌با همان انتظار برنهدام(همد، 2:3) بر شما باد که صبر کنید؛ زیرا فرج در نوپایی می آید و هر آنی کسانی که پیش از شما بودند، از شما صابرتر بودند؛ (صدق، 1395، ج2 ص56).

پی تریدید معضلون(ع) در خصوص صبر و انتظار بسیار سفارش کردند و تأکیدات جدید در روایتی درباره رابطه و تعامل آن دو به میان آسمه ایست، بهطوری که اصل زیبای و کمال صبر یا وجود انتظار و اصل کاربرد و کارکرد انتظار در کنار صبر توجیه یک توجه به خدّه و همچنین به جهت اهتمام این تعامل و رابطه، مقولات صبر و انتظار از حوزه رفتاری به حوزه عبادی انتقال یافته و جزو بهترین و برترین عبادات دانسته شده ایست. پی تریدید همه این موارد به سبب این است که منظوران به وقایع در عصر غیبت بكا معضلات و مشکلات بسیاری روبرو می‌شوند و عبور از آنها بدون ایثار صبر و برداری ممکن نیست و به سبب همین فرونزی سخن‌ها و مشکل بودن حرکت در این مسیر، معضلون(ع) دانمان به ممرض عصر غیبت درس صبوری و مقامات و مشق برداری و سخه کوشی داده‌اند.

پس تمرین زندگی صبورانه و مشق سخت زیستی، یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت است؛ یعنی منظوران واقعی باید در امور دنیا صبر و برداری را پیش خود سازند و از شتاب زدگی و عجله کاری که عامل سقوط و هلاکت بشر و جوامع بشری
است، اجتناب کنند. به خصوص در مورد مهم‌ترین کار در عصر غیبت که همان رخداد ظهور است، به ترکید فرد منظمی باشد بنابراین در این عصر که به پنهانی زیستی امام روبرو است چه وظیفه و رسانائی دارد و بازی بداند که رسانائی اصلی و واقعی و حذف کردن در مسیر اهداف و غایات متعالی نهضت جهانی است که در این خصوص با اجرای الگوها و ارشتهای سیاست، نوین زنگری مهدویت در جامعه و با تهادنه کردن آنها در همه سطوح و زوایای زنگری و گسترش آنها در میان همه افشار و آحاد مردم در مسیر زمین‌سازی ظهور گام بردارد و غایت و نهایت کار را که همان رخداد ظهور است، به خدا واگذار کند و در این خصوص شتاب می‌دهد که به کار پیام‌نامه و اسلام‌پردازی و موده خودکار صوراته را در مردم آفرینی می‌نماید. اسلام می‌گوییم به دیدگاه الیگون متفکرین مطلق، لازم است انحراف قام دیکوتیمی را با رسول‌الله صلی الله علیه و آله و پیامبر اسلام پس از رد منطقه‌ای به قدرت و اقتدار پناه نشان و نزدیک به آن بماند. این سه راه‌نما ماهیتی را راه دارد. اصحاب عرض کردنند: یا رسول الله! مادی در جنگ بدر و احده و دین را در کتاب شما بیکار کردیم و قرآن در میان ما نازل شده است (یعنی چطور می‌شود که مردم به این نظر آنها ثواب پناه نفر ما را داشته باشند؟) فرمود آنجا را آنها متحمل می‌گردند اگر شما بپنید، نمی‌توانید مانند آنها صبر کنید» (فاطم‌الدین راوندی، 1349، ص ۱۱۴). در این راستا امام حسن علیه السلام در روایتی به بیان رابطه میان انتظار و صبر می‌پردازد و علاوه بر آن به دو نکته اساسی اشاره می‌نماید: ۱. کسانی که مزین به این دو شاخصه صبر و انتظار هستند، از نظر ارزشمندی به جایگاه مجاودان در رکاب رسول‌الله می‌رسند. ۲. علت این ارزشمندی و علت مهم‌بردن ارتباط میان انتظار و صبر به سبب مفهومی است که منظوران از آذیت و آزار مخالفان و تکذیب آنها می‌بینند: «اما إنَّ الصَّالِحُ بِغِیْبَتِ عَلیَّ الَّذِی ۚ وَ الَّذِی فِی الْحَمْجَبِ مَنْ تَعْرَضَ لِهِ سُوْفَیۡنَ ۗ بَلۡ ۚ سَيۡفُ بَیۡنَ ۗ ۚ وَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ كَفَّرُ کَ بَعْدُ غِیْبَتِ الَّذِی صَلَبَ کَنَّا کَنَّا، فَلَا ۚ این راه آذیت و آزار بین، این مرد مثل این است که با شمشیر در رکاب رسول خدا兴 جنگ می‌کند» (شیخ صدوقی، ۱۲۷۲، ج ۱۳۸، ص ۶۸).
بهطور کلی روایاتی که به ویان وصف حال دوران غیبت و مردمان آن زمانی می‌پردازند، زیادی از محوریت‌ها و زیادی از مخاطرات آن دوران صحبت می‌کنند و بسیار از معضلات و جانشینی اجتماعی، دینی و فرهنگی آن زمان یاد می‌کنند. شاهد همین روایتی است که از امام حسین نقل شد و روایتی است که در ادامه خواهد آمد.

امام صادق در خصوص صبر در دوران انتظار به سبب ترس و اذیت می‌فرماید: «اکل تعلیم‌ان ۸۹۱ از انغریزی آمر و صبر علی می‌یزد از الدّیّ و ان‌حضروه مّه‌عده فی رفرنّی‌ا امام صادق به ابوجعفر منصور می‌فرماید: آیا نمی‌دانی‌که هر که متناور امر ما باشد باید و ببر آزان و ترس خود صبر کند، فردا با ما محشور شود؟» (کیانی، ۱۳۲۶، ج۱، ص۳۷).

باز حضرت می‌فرماید: ۱۳۹9 از لحاظ‌های این بیان‌های المتشکل که فیله بی‌پایی این بیان‌های بی‌پایی، قال: آن لحاظ‌های این‌امکان‌های غیبت هم‌هنا صاحب الامرا غیبی است. هر که در آن زمان دنش نگه دارند، مانند کسی است که درخت خار قناد را با دست بتراشد. سپس فرمود: این جنین و با اشاره دست مجسم فرموک کدامیک از شما می‌توانید خاران درخت را با دست نگه دارند. سپس فرمود: هم‌هنا صاحب الامرا غیبی است. هر بندهای باید از خدا پرا کند، و بدنی خود بی‌پایی» (کیانی، ۱۳۲۶، ج۱، ص۳۵).

در روایات می‌فرماید: علاوه بر ویان رابطه و ثق و معنا و معنی اینان انتظار و صبر به علت این رابطه ومٔه‌بودن آن اشاره می‌کند که هم‌دام خانه آن به سبب اذیت و ترسی است که از غیبت مخالفاً منطقی‌ای می‌شود و بیان حضرت در بیان سختی آن ایام و مشکلاتی که حفظ دین و دین‌داری وجود دارد، به کننده‌ای از درخت قنادی مثال می‌زند. سختی و مشکلات غیبت که باید با صبر و مقاومت همان‌ها باید به حداً

1. قیام درختی که خارهای زیادی دارد. حیی شرطا که همه چیز را می‌خورند این درخت را نمی‌خورند. جنی در ایام شکسالی که دیگر بی‌پایی و علیه‌ی بدان‌ها شود و جالب است که شرطا هم به آسانی نمی‌توانند آن را بخورند، بلکه لازم است این‌چنین را آن‌ها درست که خارهای آن از بین برود نا شرطا، این‌چنین آن را بخورند. (این منظوره: ۱۴۱۶ ق، ج۳، ص۴۲۲.)
است كه امام صادق دینداری و حفظ آن را به مثابته کندن خار از درخت قناد آن هم در جهت خلاف روش خار می دانند.

پیامبر غرامی اسلام می فرماید: "یا آبا الحسن حقیقت علی الله أن یذکر آهل الصلالله الجنة و إنما على هذَا المؤمنین الذین قاموا في زمن الفتنة علی الیتیمان بالإمام الخیفي المكان المشروح عن الأغیان فهم يعیون و يعیونه مشتقیکون و لخیووجه مشتاقون موجب ان شاکین ضایعون مشلمون یا ابی الحسن شایسته است که خداوند گمشدگان را وارد بهشت کند. سپس امر المؤمنین فرمود: مقصود بیغوم مؤمنین هستند که در زمان غیبت به سر می برند و از امامی که جایی نامعلوم و خودش از نظرها غائب است، پیروی می کنند. آنها عقیده به امامت او دارند و به ویتشت چنگی زندند و منظر آمدن هستند و بدون هیچ شکی با صبر و تسیم به وجود او ایمان دارند (مجلی، بی ن، ج ۲۴، ص ۱۴۴).

در پایان به نکاتی چند به عنوان جمع‌نده می پردازیم: ۱. تقابل حق و باطل بسترگاه شاخصه مقاومت است (علت محدثه)؛ ۲. تداوم شاخصه مقاومت از ناحیه مقوله صبر تأمین می شود (علت مبیقیه)؛ ۳. شاخصه مقاومت از ماهیت و مفهوم شناسی انظار برداشت می شود (علت محدث)؛ ۴. از آنجایی که تقابل حق و باطل در عصر غیبت به جهت فقدان امام و رهبر ممصوص می یکشن است، باطل شاخصه صبر و مقاومت نیز در این دوران یک صرفاً با خطیب یکی است. تأکید دوست مهندوی پایان، هنده تقابل حق و باطل است (علت غانیه)؛ ۵. پایان تقابل حق و باطل، پایان شاخصه مقاومت و نتاب آوری است.

البته منظور از تقابل حق و باطل در اینجا تقابل حق و باطل اجتماعی است که با پیروزی سیاه حق، سیاه باطل از بین می رود و برای همیشه بشر پایان آن را برای اولین بار و آخرین بار ترجیب می کند. طبیعی است وقتی باطل با رویکرد اجتماعی به دست امام مهدی باید از بین رفت و حق و حقیقت با رویکرد اجتماعی بدون رقیب و بدون منازعه ماند، در اینجا است که فقدان رقیب و دشمن، فقدان مقاومت و بردازی را به همراه دارد.
۶٢. انتظار و پرهیز از شتاب‌زدگی

از جمله درس‌ها و پیام‌هایی که می‌توان از انتظار گرفت درس طمأنینه و عدم شتاب‌زدگی است؛ یعنی فرد منتظر باشد به شاخصه پرحوصلگی و اطمینان بررسد و آن را در خویشتن، خانواده و جامعه نهادن کنند؛ زیرا در دوران غیبت و پنهانی زیستن امام زمان

ارائه نشان می‌دهد مشکلات و معیلیات فراوانی از نوع فرهنگی، دینی و اجتماعی دانگیر جامعه باورمندان مهدوی می‌شود و بی‌توجهگری از ماهنامه امام و رهبر جهانی همه معیلیات و مشکلات اجتماعی به دیار عدم رخت بر بسط و آسایش، رفاه و هنجرها جایگزین می‌شود و بشر و جامعه بشری در مسیر خوب زندگی کردن قرار می‌گیرند. حال اگر منتظران در مورد رسیدن این روز فرح‌بخش و مطلوب به شادی و نشاط را برای بشریت به ارمعان می‌آورند و همه مدرم از فرا رسیدن آن خوشحال و خرسند می‌شوند، عجله و بی‌حوصلگی به خرج دهند، بی‌توجهگری از ماهنامه امام و
عجله کاری نه تنا به مقصود و هدف خود که همان گشايش، آسایش و فرج باشد نمی رستند، بلکه به سوی خلاف آن که همان از دید معیار مسئله و مشکلات باشد، سوق پیدا می کنند؛ زیرا گشايش و فرج هر امری تبع شرایط و قواعدی است که بسترساز تحقق آن امر است و در این میان نماه ندارد که آن امر، امر دینایی باشد یا دینی، بزرگ باشد یا کوچک، مادی باشد یا معنوی، این قاعده و قانون در همه موارد از جمله مهم ترین آنها یعنی امر ظهور نیز ساری و جاری است. باور مدنیان مهدوی که به خدا و رحمت و امیدوارند باید بدانند که در امر ظهور و گشايش کارها یک سری شرایط و سیاست اساسی دخیل هستند که باید آنها از بیش میها و آماده باشد یا ظهور و گشايش ربخ نمایید از این و نابود مکرر به دنیا ظهور باشد و آن را با عجله و شتاب تعلق گنبد.

چنان که امام صادق درباره آیه شریفه «آیت‌الله او فدا نشتبه‌خوی شد» فرموده: «هو افرادا آمر الله عز و جل ان لا نشتبه‌خوی به حقیق ایماده الله بدلیله آتنا ملاکه و المؤمنین و الوکب؛ ام خدا همان امر ما است که خدا او جل امر فرموده است که در آن باره شتاب نشود تا اینکه خدا او را به جنود سه‌گاه ملکه، مؤمنان و رعاب تأیید نماید» (سخن‌نامه، ۱۳۷۲، ص. ۱۹۸).

از محتما و مضمون روایت این نکته برداشت می‌شود که نهایی از عجله کردن به دلیل عدم تحقق سه امر یعنی ملاکه، مؤمنان و رعاب است که در صورت تحقق یافتن آنها یعنی بستر رخداد ظهور فراهم می‌شود و باید بودن درنگ در امر ظهور عجله کردد. بی شک آماده‌بودن دو امر یعنی ملاکه و رعاب که مربوط به فعل الهی هستند، خیلی معنا ندارد؛ زیرا اراده الهی هر وقت بر آماده گی ملاکه و تحقق رعاب استوار شود، بدون درنگ ملکه آماده و رعاب هم محقق می‌شود. مهم در اینجا بحث آماده گی مؤمنان است که درواقع مربوط به فعل بشر است؛ همان برای که صاحب اختیار و اراده است. پس اصل عجله امر نابودی نیست، بلکه عجله برای ظهور که هنوز شرایط و زمینه‌هاش محقق نشده باشد، مذموم و نابود است و مؤمن نه اهم!» گرفته است. در اینجا اکثرا بست وظیفه دارد با اختیار و اراده خودش به سوی تحقق زمینه‌ها و شرایط الیه.
آن شرایط و زمینه‌هایی که مربوط به بشر است، با شتاب و عجله‌گام پردارد.

پس خداوند در آن آیه شریف عجله مطلق را نهی نکرده است، بلکه عجله بدون تمیز، جهت رسیدن در آن چهار، در اینجا با قضیه شرط و محدوده نسبی که مشروط همان تعجل و شروط همان رخداد امر است؛ یعنی قرآن کریم در قلب شرط و مشروط (بر اساس داده‌های روایت) به مؤمنان و عده‌ها داده است که هر گاه شروع سه گانه تحقق پیدا کرد، حتی آنچه شورت با سرعت رخ خواهد داد؛ پس براساس داده‌های قرآن و روایت تحقیق سه امر مزبور به نوعی تعجل در ظهور (را به همراه دارد و این نوع تعجل نیز از منظر قرآن و سنت مذموم نیست.

امام صادق(ع) می‌فرماید: "اگر همک‌الاثار از استدلال‌های این الأمر ان الله لا يفعل لعجلة البیان إن این الأمر غایة ينتهي إليها، فئد بلقها لم يستخلصوا حسنات و لم يستعاونوا معاونات همما مرده از شتاب، گرو برا آن امر به هلاکت رسیدند. خدا به سبب شتاب مردم شتاب نمی‌کند. برا یا امر موعود و غایب ایست که بدان می‌رسد. اگر مردم به آن برسد، یک ساعت جلو و عقرب ندارد" (کلامی، ١٣٦٢، ص ١٣٦٩).

غاوت و هدفی که در این روایت بدان اشاره شده، همان شرایط و زمینه‌های است که در روایت قبل بدان اشاره شد در دوازده افراد شدن آنها نهایت و غایت تحقیق ظهور محاشده است. در اینجا است که بدون تقدم و تأخیر ظهور به وقوع می‌پیوند. اگر قبل از فراهم آوری شرایط و بسته به دنبال تحقیق ظهور باشیم، دوازده مذموم استعمال

مثال حال ما شده، نتیجه آن هلاکت است که بر ما بار می‌شود.

امام صادق(ع) در پاسخ به سوال مهزم که از طولانی بودن ظهور می‌رسید می‌فرماید: "با مهزم که کذب شده‌اند و هلکی مشغولان و نجا مسلمانان و الی‌ها بصیران! ای مهزم آرزومدن دروغ گفتند و شتاب کندگان هلاکت شدند و تسليم شدگان نجات یافتند و به سوی ما باز خواهد گشت" (نعمانی، ١٣٩٧، ص ١٩٧).

از امام هادی(ع) تنقل شده است: "و شیکی المنتشر لأن له غیبی يطول أمدها فين تنتظر خروجه المخلّضون و ينجز المزتابون و يفعلک المتشغولون" (طبری، ١٣٩٠، ص ٢٣٦).

عبدالعظیم حسنی عرض می‌کند: چرا به منظور گفتگو؟ فرمود: برای اینکه نیشته به
طول خواهند انجامید و افراد مخلص در انتظار خروج او خواهند بود و منکران او را انکار می‌کند و عجله کندگان هلاک می‌شوند.

5. استعجال مثبت و منفی

استعجال به دو قسم منفی و غیرمنفی تقسیم می‌شود که اولی مدعو و مثبت و دومی مددوم و منفی است و از آن به شتاب‌زدگی تعبیر می‌شود. از داده‌های عقلی، قرآنی و روایی می‌توان این دو قسم استعجال را مستندسازی کرد؛ یعنی تقسیم‌شنده استعجال به مثبت و منفی و مجازی بودن استعجال مثبت با سه دلیل قرآنی، روایی و عقلی قابل اثبات است.

5.1. دلایل قرآنی

در قرآن در آیات مختلفی به شتاب و سرعت گرفتن به سوی کارهای خیر توصیه شده است. در برخی آیات این توصیه به صورت دستوری در قالب صیغه امر بیان شده و در برخی دیگر سرعت گرفتن به سوی خیرات از جمله صفات مؤمنان تلقی شده است.

"فاستیفتوا الدارای آینً ما تکونوا بائت پکم لله جمعاء؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کسی که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد" (بقره، 162).

اولینک بالا یسارتون فی الدارای و هم ل‌ها ساپون؛ آنآناند (مؤمنان) که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آناناند که در انجام آنها سبیقت می‌جویند (مؤمنون، 6)."یوامون الله و الیوم الآخر و یأمرون بالمعروف و یبتون عین المنكر و یسارتون فی الدارای و آنکه من الطالبین؛ به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسنده‌های خود می‌دهند و از کار نایبند برمی‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند" (آل عمران، 114).

از آیات بالا، و آیات دیگر که در قرآن آمده به خوبی دو نکته برداشت می‌شود: اول اینکه قرآن تقسیم استعجال به دو قسم مثبت و منفی را قبول دارد و آن را تایید می‌کند. دوم اینکه به انجام استعجال مثبت امر کرده و آن را از نشانه‌های ایمان و صلاح دانسته است.
در تبیین بحث گفته می‌شود که درواقع میان روایات گفته شده که به مدت استعجال پرداخته‌اند و مسلمانان را از آنجا یورده‌اند که با آیات بالا یک امر کرده‌اند و آن را از صفات مؤمنان و صالحان می‌دانند، به‌_oauth تعارض و تقابل دیده می‌شود؛ اما درواقع تعارض و تهافتی میان آنها وجود ندارد، بلکه تقابل میان آیات و روایات تقابل عام و خاص، تقابل به مصایق یا تقابل به انواع است.

1. تقابل عام و خاص: در تقابل عام و خاص میان محور و مفهوم آیات بهصورت عام امر به استعال می‌کند؛ ولی روایات بهصورت خاص نفی از استعال خاص (استعال منفی) می‌کند.

2. تقابل به مصایق: در تقابل به مصایق، آیات امر به مصایق استعال مثبت می‌کند؛ ولی روایات نهی از مصایق استعال منفی می‌کند.

3. تقابل به انواع: در تقابل به انواع آیات امر به نوع استعال مثبت می‌کند؛ ولی روایات نهی از نوع استعال منفی می‌کند. پس میان آیات و روایات تعارضی نیست، بلکه میان آنها به نوعی نهی و اعمال وجود دارد.

۲.۵ دلایل روایی

در خصوص استعال مثبت و توصیه معصومان در انجام آن روایات بسیاری در منابع حديثی آمده است. استعال مثبت به دو قسم مطلق و مقید تقسیم می‌شود که برای هر دو نوع استعال روایاتی نقل شده است. نوع اول روایاتی است که بهصورت مطلق به تجویز استعال پرداخته‌اند و مسلمانان را بهسرعت گرفتن برای اجرای امر خیرات توصیه می‌کند و نوع دوم روایاتی هستند که تناها به مسئله ظهور بهعنوان بالاترین خیرات پرداخته‌اند و مردم را به تعجب در آن و دعا کردن برای زودتر سیدن آن تشوق می‌کند.

امیر مؤمنان علی در این خصوص می‌فرماید: " أغْـبَطَ النَّاسَ الْمُشْرُعَ إِلَى الْخَيْرَاتَ نِكْوَجَالَ تِرين مَرْدَمَ كَسَى اَسْتَ خِثْانَ باَشَدَ يِن سِوَى خِيرَاتَ" (آم‌دی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰).

همچنین امام صادق در زیارت امام علی می‌فرماید: او اجْلَفَتْي مَفْهُومَ يَنْتَشُرَ فِی
در برای استعجال مثبت مطلق، استعجال مثبت مقید قرار دارد که تنها به امر ظهور و تعجل در رخداد آن می‌پردازد. در این خصوص روایات زیادی نقل شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود. امام حسن عسکری (ع) به احمد بن اسحاق فرمود:

"ولله نَعَمَیَنَ عَمَّيَنَ لاْ يَنْجُ حَيَا مِنَ الْهَلْكَةِ إِلاَّ مِنْ بُيُّتَةِ اللَّهِ (غَزْرُ وَ جَنَّ) عَلَیْنَا الْقُوَّاَلِ بِمَانِتِهِ وَ وُفَّقْنَا فِيهِ لِلْذَّكَرِ بِتَعْجِيلِ فَرْجَهُ؛ بِه خَدَا قَسْمٍ (مُهِّدِيَ عَمِّي) عَمِّي کَنِّد پَیْنِنِم از مَهْلَکَةٍ آن (بَنِي دِينِی وَ غَمْرَاهِي) نَجَاتٌ نَمَیْ یَبَدِّد جَزَآنَا نَک نَا دِر عِقْبِهَا بِهِ امَامَتِنَا ثَابِت قُدْمِ دَاَشِه وَ مَوْفِقِ کَرَدِه است تا برای تعجل در فرجه دعا کنند (تا خداوند زودتر اورا ظاهر گرداگردید)" (حَرَّامی، ۱۲۶۸، ص. ۱). در توقیع شریفی از حضرت مهِّدی (ع) وارد شده است: "وَ أَمْكِنَ الْذَّكَرِ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجَ فَإِنَّ ذَلِکَ فَنَّجِحْمُ؛ بِرَأْيَ تعجل در فرجه من بسیر دعا کنید؛ یزیرا گشایش کارهای شما در آن است" (صدوقی، ۱۴۲۸، ج. ۲، ص. ۴۸۵؛ طبرسی، ۱۴۴۳، ج. ۲، ص. ۲۲۱).
اجرای آنها درواقع به نوعی سرعت گرفتن در مسیر هدفی است. چون آن را تعیین کرده است بر اساس آیه شریفه: "فامیقا الخُرائِت، بِنَوعِ تَأییدُ داده‌های عقلی در این امور است؛ از این رو وقتی که خیرات و سرعت در انجام آن مورد تأیید و سفارش عقل باشد، بهطور جهش تهیه کنی علیه ترین و کارآمدترین نوع خیرات است، بیشتر مورد سفارش و تأیید عقل قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

انتظار در میان باورهای اسلامی‌های جایگاه و کارکرد مهم‌های است و هم‌گروه‌های اسلامی با اختلافات فرهنگی و مذهبی به‌نوعی بدان انتظار اعتقادی و عملی دارند. نقص انتظار در هدایت‌بخشی و ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان نقص مهم و تأثیر گذاری است. تأثیر گذاری آن به‌نها در ساختار فردی و امورات شخصی، بلوک در ساخت اجتماعی و امورات جمعی متغیر نیز مطرح است. پس کارکرد انتظار به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و کارکرد فردی و اجتماعی نیز هر کدام به دو قسم اجتماعی و سالمی تقسیم‌پذیرند. در این نوشته به دو شاخه‌ی فردی انتظار که یکی مربوط به روبه‌روی اجتماعی نظر مقاومت و تاب آوری و دیگر مربوط به روبه‌روی سلیبی نظر استعجال و شتاب‌زنگی است، برداخته شده است. مقاومت و تاب آوری از جمله شاخه‌های مهم انتظار است که از تحلیل مضمون انتظار و نیز از روانی روایات انتظار قابل توجیه است و استعجال و شتاب‌زنگی از جمله مقوله‌های مهمی است که در انتظار مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و به دو قسم استعجال مثبت و منفی تقسیم می‌شود. استعجال منفی از منظر انتظار مردود و مذموم معرفی می‌گردد و استعجال مثبت از منظر انتظار مقبول و مبسوط است و با سه دلیل قرآنی، راوی و عقیل توجه می‌شود.
فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آصفی، محمد مدیری. (۱۳۸۱). انتظار بویا. مجله انتظار موعود، ۲، صص ۹۵-۱۱۱.
۲. آمیدی، عبدالوحید. (۱۳۸۶). تصور غرر الحکم و درک کلمه. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۳. ابن منصور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۶ ق). شناس العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
۴. اسکی، موری و کیمیا. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی. تهران: چاپ نشر سفید.
۵. اصفهانی، راغب. (۱۳۷۲). مفردات بیروت: دارالاسلام.
۶. الهی نزار، حسین. (۱۳۹۵). تبیین قرآنی نقض مقاومت در حکم جهانی مهدون ق sclنامه مطالعات علوم قرآن، ۵، صص ۱۰۴-۱۳۴.
۷. الهی نزار، حسین. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل انتظار در اهل ست. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام.
برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقوم معظم رهبری.
۱۴. سحرخوان، محمد. (۱۳۹۹). راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم.
فصول اخبار مطالعات علوم قرآن، ۲۴ (۱)، صص ۱۳۶-۱۹۴.
22. قطب الدین روندی، سعید. (۱۴۰۹ق). خواجه و جراح، قم: مؤسسه امام مهدی.
References

* The Holy Quran.


